

بدری مینه انجلیک برده که لای تجویده و اصل اولی
علیک بانظان المعاری کتبا خصوصا بالفاظ القرآن بها فاد
بالفان میانه کوی و در لک قرآن و تکرار کما هزل ذی الخیر
صایک جارایه مجرور دن مقول فعل در حشر ایچون ک لور
یعنی کلمه مدحیه اولور بنسبه و در لور دور اما علیک نک
عمل اندو ک مفسر ای اعتباریه در بانظان علیک به معنای در
انظان حفظی بر کتمک در علیک که معقول در معارف و ک
حسب معنی در کلام کیدی در صبر معارف کدر خصوص
مفعول فعل محال و در الفاظ لفظت جمعی در القرآن
بنک و فی کلمه اول کرمک نک تقی و کنه و نک لفظه
حسب معنی کدر بها فاد جمله سخی امریه در لمانک لای لوم انفا
علت در دیان قالیه فاعل در و در ل القرآن ترتیلا و در لیا
ترتیل مفعول لور در قالیه کذا نقل ذی الخیر یعنی
خبر دارا و لان علی لور بویله نقل اولدی دیمک در فوای
کلمه یعنی جمیع معرفت لرت انفا فی و جمله حرف لرت

متن
قرآن ترتیل

حقل بیوتک اذ عانی و حقل بیوتک عرفانی شگاده لازمه و واجب
خصوصا قرآن عظیمه که لرت لفظ لرت بیوتک و لسانک
برکتک اهمر ما ندن و اتم واجب اندن در و فای و ک
نماز صحیح و بخی مقدار و نمازی فساد ذی لرت لک لایه
احترار اتمک لازمه در بیس و طلب بلاه و اعمد و بخی لور
بس دخی اشبعو علم تجویذت تحصیل و جمله مرتب و بول
تک سبک جمله طاقه کدی بدل بالیوب فواید و بخی لور
و قوانین ترتیل مدعی اول ترتیل حقیقی الحلال و عادات
و در ل القرآن دیوب قومادی بر کلمه مرتب و بصله
تاء کیدی دیوب ترتیل در دیوب لرت شانه تقویم
و دانسته که دیوب و آیات واجب دیوب و لایا و شارت
و تبیه و لشارت قلدی سته که صاحب کسنا و بوائیک
تفسیر لرت ترتیل تاء کیدی ایجاب الامر در یعنی
مصدر لیه تا کیدی لور امر لرت بون و بوی ایچون
اولد و عنه دلیل در و و حیل کدی لرت اشو امر کدی